



کودتای محمد بن سلمان و ضد کودتای احتمالی رقیب

هر چند حکم برکناری محمد بن نایف از همه مسئولیت‌های خود از جمله وزارت کشور از سوی سلمان بن عبد العزیز پادشاه عربستان صادر شده است.

به گزارش آران نیوز: هر چند حکم برکناری محمد بن نایف از همه مسئولیت‌های خود از جمله وزارت کشور از سوی سلمان بن عبد العزیز پادشاه عربستان صادر شده است اما تردیدی نیست این حکم همانند دیگر احکام کشوری که در 5/2 سال اخیر بعد از مرگ ملک عبدالله صادر شده از سوی محمد بن سلمان بوده است که در ظاهر مقام ولیعهدی و مسئولیت وزارت جنگ را برعهده داشته اما در عمل به علت کهولت سن و بیماری آلزایمر پدرش به همه کاره این کشور تبدیل شده و گام به گام کوشیده است خود را به کرسی پادشاهی نزدیک کند و آن را بعد از مرگ پدرش تصاحب کند، البته محمد بن نایف اولین قربانی بلندپروازی‌های محمد بن سلمان نبوده و پیش از وی مقرن بن عبد العزیز عموی وی نیز در یک دام فساد اخلاقی برنامه‌ریزی شده گرفتار شد و بی‌سروصدا از مقام ولیعهدی کنار رفت. بر این اساس می‌توان گفت محمد بن نایف دومین مقام ارشد عربستان است که در کمتر از 5/2 سال گذشته قربانی جنگ قدرت در داخل خاندان سعودی می‌شود و به وسیله محمد بن سلمان از معادله قدرت حذف می‌شود.

حال اینجا دو سؤال پیش می‌آید: نخست اینکه محمد بن سلمان چگونه موفق شده جنگ قدرت را (البته تا اینجا کار) به نفع خود تمام کند؟ دوم اینکه چه چشم‌اندازی را می‌توان برای وضعیت سیاسی عربستان و شخص محمد بن سلمان پیش‌بینی کرد؟ در پاسخ به سؤال نخست می‌توان گفت که دست‌کم دو دلیل تا اینجا کار مشخص شده و از بررسی روند تحولات می‌توان به این دو عامل پی برد: نخست اینکه محمد بن سلمان با اتخاذ سیاست جنگ‌طلبی در خارج از مرزها توانسته است توجه افکار عمومی داخلی و خارجی را از تلاش‌های خزنده خود برای تصاحب کامل قدرت منحرف کند و آن را به خارج معطوف کند. تجاوز نظامی به یمن و دامن زدن به خصومت با ایران در قالب‌ها و اشکال مختلف از جمله اقداماتی است که در این راستا صورت گرفته است. دوم تکیه محمد بن سلمان به راستگرایان جمهوریخواه در آمریکا و راستگرایان صهیونیستی در فلسطین اشغالی است که در عین حال با اعطای امتیازات غیرمتعارف و بی‌حد و حصر به اینها شامل انعقاد قراردادهای چند صد میلیارد دلاری نظامی و اقتصادی-تجاری با دولت راستگرای ترامپ و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و همپیمانی با این رژیم همراه بوده است.

اما در پاسخ به سؤال دوم یعنی چشم‌انداز وضعیت محمد بن سلمان و عربستان می‌توان دو سناریوی بدبینانه و خوشبینانه در نظر گرفت که بستگی به نوع واکنشی دارد که رقبای محمد بن سلمان و دیگر مدعیان قدرت در قبال آن نشان خواهند داد. در صورتی که این واکنش مثبت باشد و تصاحب قدرت از سوی محمد بن سلمان پذیرفته شود در این صورت با توجه به جوان بودن ولیعهد جدید می‌توان گفت که عربستان دست‌کم برای چند دهه آینده از پیچ بحران جانشینی عبور خواهد کرد که در چند سال گذشته در آن گرفتار شده بود. در این صورت این احتمال نیز وجود دارد تا حدودی از میزان تشنج‌زایی سیاست خارجی عربستان (که با هدف فراق‌کنی بحران داخلی صورت می‌گرفت) کاسته شود. اما در صورتی که کودتای خزنده محمد بن سلمان از سوی رقبای و دیگر نوادگان عبد العزیز و به خصوص قربانیان سیاسی وی به چالش گرفته شود در این صورت محمد بن سلمان کماکان به رویکرد تشنج‌آفرینی خود در عرصه سیاست خارجی ادامه می‌دهد و حتی شدت خواهد بخشید تا در فضای آن هم بتواند به سرکوب مخالفان و رقبای داخلی خود بپردازد و هم اینکه توجه افکار عمومی داخلی را به خارج منحرف کند، البته این در صورتی امکان‌پذیر است که محمد بن سلمان از انواع نقشه‌هایی که علیه‌اش کشیده خواهد شد جان سالم ببرد که هیچ تضمینی در این زمینه وجود ندارد.

منبع: روزنامه جوان